

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۱ نومبر ۲۰۲۰

کدام "عمران خان" به کابل مسافرت نموده است؟

۲

جمعه - ۳۰ عقرب ۱۳۹۹ - کابل: در یادداشت امروز تلاش خواهم نمود تا سؤالی را که به مثابه عنوان گزیده شده، از دید خود پاسخ بگویم، اما قبل از آن:

این را می دانیم که "عمران خان" به دعوت "غنی احمدزی" به افغانستان آمده است، اما این را حد اقل خودم نمی دانم که انتخاب زمان آمدن را چه کسی انتخاب نموده است. طرح این سؤال به خاطری مهم است که هرگاه زمان آمدن را "عمران خان" انتخاب نموده باشد، چنین انتخابی مبین آن است که ما با یک ورزشکار ساده رو به رو نیستیم بلکه با یکی از مغز های متفکری رو به رو هستیم که نه تنها در مناسبات داخلی با بیرون انداختن هردو قدرتی که سالیان سال بر پاکستان حاکمیت داشتند، ظرفیت و توان خود را به اثبات رسانید، بلکه در مناسبات منطقه ئی و بین المللی نیز می تواند برای کشورش مفید باشد و اما هر گاه این زمان را "غنی احمدزی" انتخاب نموده باشد، نشانگر آن است که نامبرده نه تنها "متفکر دوم" جهان نیست، بلکه همان طوری که بارها نوشته ام، "مغز متعفن" مصداق کاملی برایش بوده، به ورزشکاری می ماند که در هر پنج دقیقه برای حریف "پنالتی" و یا گل خودی پیشکش نماید. زیرا:

*- با در نظر داشت این که در طی ۴ سال حاکمیت "ترمپ"، نزدیکی اجباری پاکستان به چین، باعث گردید که این کشور اعتبار، موقف و جایگاهش را نه تنها نزد امریکا و متحدان غربی اش ببازد و مؤسسات تابع سیاست های امپریالیستی که در مسایل پولی فعالیت و نظارت دارند، پاکستان را در لیست و قطار خاکستری داخل نموده فاصله اش را با تحریم های بین المللی کمتر نمایند، بلکه حتا نزد کشور های عربی در رأس همه عربستان سعودی که همین اکنون از نیروها و مشاوران پاکستان در سرکوب خونین خلق یمن بهره هم می برد، به حاشیه رانده شود،

*- در منازعات قبلی و احتمالی آینده اش با هند، عملاً متحدان غربی و عربی اش او را تنها گذاشته در کنار هندوستان ایستاده اند،

*- جوبایدن هرچند از جانب مقامات ذی صلاح تا هنوز رسماً رئیس جمهور اعلام نشده، مگر تا جایی که از روند جریانات و گزارش رسانه ها و موضعگیری سران کشور های جهان بر می آید، مطمئناً رئیس جمهور دوره بعدی می باشد، وی یکی از محدود سیاستمداران امریکائی است که از دهه ها بدین سو یعنی از زمانی که سناتور بود و بعد ها به حیث معاون "اوباما" رسماً دومین مقام تصمیم گیرنده به شمار می رفت، علناً ابراز داشته است که "پاکستان نسبت به

افغانستان ۵۰ بار مهمتر است"، در چنین شرایطی دعوت از "عمران خان" به کابل و او را در امور افغانستان دخالت دادن، در واقع "گوشت را نزد پشک انداختن" و یا همان به تیم خود گل زدن است.

زیرا چنین حماقتی به پاکستان که نوشتیم در حاشیه مانده، فرصت مساعد ساختن است تا خود را به اداره آینده "بایدن" نزدیک ساخته، در عمل، به نیابت از امریکا، قیومیت افغانستان را به دوش بگیرد،

*- به بن بست کشیده شدن مذاکرات بین نمایندگان دولت دست نشانده و طالب از یک سو و تشدید جنگها و کشتارها در سراسر افغانستان از سوی دیگر که هر دو باعث شده، اکثریت رسانه های داخلی و خارجی و مردم افغانستان مستقیماً، دولت پاکستان و استخبارات نظامی آن کشور را مسؤول تمام این خیره سری های جنگ طلبانه و جنایات طالب بدانند تا سرحدی که "امرا لله صالح" از موقف معاون اول ریاست جمهوری، انگشت اتهام به سمت پاکستان بلند نماید، دعوت از "عمران خان" در چنین زمان و حالتی، پهن کردن فرش قرمز و آماده ساختن تریبون های سخنرانی برای وی، باز هم چیزی به جز گل خودی معنای دیگری نمی دهد.

*- هدف "عمران خان" به مثابه مجری سیاست های استخبارات نظامی پاکستان از پذیرش این مسافرت آنهم در چنین مقطعی، مسلم است که از یک سو درک روشن پاکستان را از موقعیتی که افغانستان در آن دست و پا می زند نشان می دهد، و از سوی دیگر موقع شناسی آنها را در رابطه با تحولات ماه های بعد در امریکا.

"عمران خان" با درک همین وضعیت، به گفته مردم "تقت نرسیده جوش آمد" اعلام می دارد، یعنی تا هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده، از طریق افرادی که در تاروپود دولت دست نشانده، مخالفان و موافقانش دارد، اعلام می دارد که مشکل "طرز العمل" و مواد اختلافی آن حل شده است و بزودی هیأت ها روی موضوعات اصلی بحث را شروع خواهند نمود.

"عمران خان" با چنین حرکتی به "بایدن" می فهماند که این فقط پاکستان است که می تواند چپ و راست شمشیر بزند، و می باید این ظرفیتش به مثابه یک حق "هرچند نامشروع" به رسمیت شناخته شود.

ادامه دارد